

مخابرات و تلگرافات رکن الدوله، حاکم فارس در سال ۱۳۱۴ ق

به کوشش سجاد جمشیدیان
نادر پروانه

محمد تقی میرزا رکن الدوله، چهارمین پسر محمد شاه و برادر کوچک صلیبی ناصرالدین شاه قاجار، در سال ۱۲۶۲ ق به دنیا آمد. در سال ۱۲۷۳ ق که اردشیر میرزا، حاکم تهران، ملقب به رکن الدوله شد، به جای برادر خویش فیروز میرزا، نصرت الدوله فرمانفرمای آذربایجان شد. محمد تقی میرزا در این سال به جای او به حکومت تهران انتخاب گردید. پس از درگذشت اردشیر میرزا رکن الدوله، پسر نهم عباس میرزا نایب السلطنه در سال ۱۲۸۲ ق محمد تقی میرزا که در سال ۱۲۸۳ ق حاکم زنجان بود، ملقب به رکن الدوله شد. در حکومت زنجان مداخل زیادی نمود و مایه خوبی اندوخت. در سال ۱۲۸۹ به جای ناصر قلی خان قوانلو عمیدالملک پسر امیر اصلاخان مجدالدوله برای بار دوم به حکومت زنجان منصوب گردید و در سال ۱۲۹۳ ق به جای حاج محمد ناصر خان ظهیرالدوله والی خراسان شد و تا ۱۳۰۰ ق حکومتش با یک وقفه دو ماهه در آنجا ادامه داشت. در ماه ربیع الثانی همین سال، سلطان مراد میرزا حسام السلطنه با دادن ۲۵ هزار تومان پیشکشی به شاه به جای وی، بار دیگر استاندار خراسان شد و در شرف حرکت بود که ناگهان در دوم جمادی الاول در تهران درگذشت. شاه دوباره برادر خود رکن الدوله را در همین سال، والی خراسان و متولی آستان قدس رضوی نمود. حکومت این بار رکن الدوله تا شعبان ۱۳۰۱ بیشتر طول نکشید و در این تاریخ، میرزا عبدالوهاب خان شیرازی نصیرالدوله، ملقب به آصف الدوله به حکومت خراسان تعیین و رهسپار آن سامان گردید. رکن الدوله در سال ۱۳۰۳ ق به ریاست دارالشورای کبری که در اواخر پادشاهی ناصرالدین شاه تأسیس شده بود، انتخاب شد، ولی چون از عهده این کار به خوبی برنیامد، امین الدوله در

مخابرات و تلگرافات رکن‌الدوله، ... / جمشیدیان - پروانه

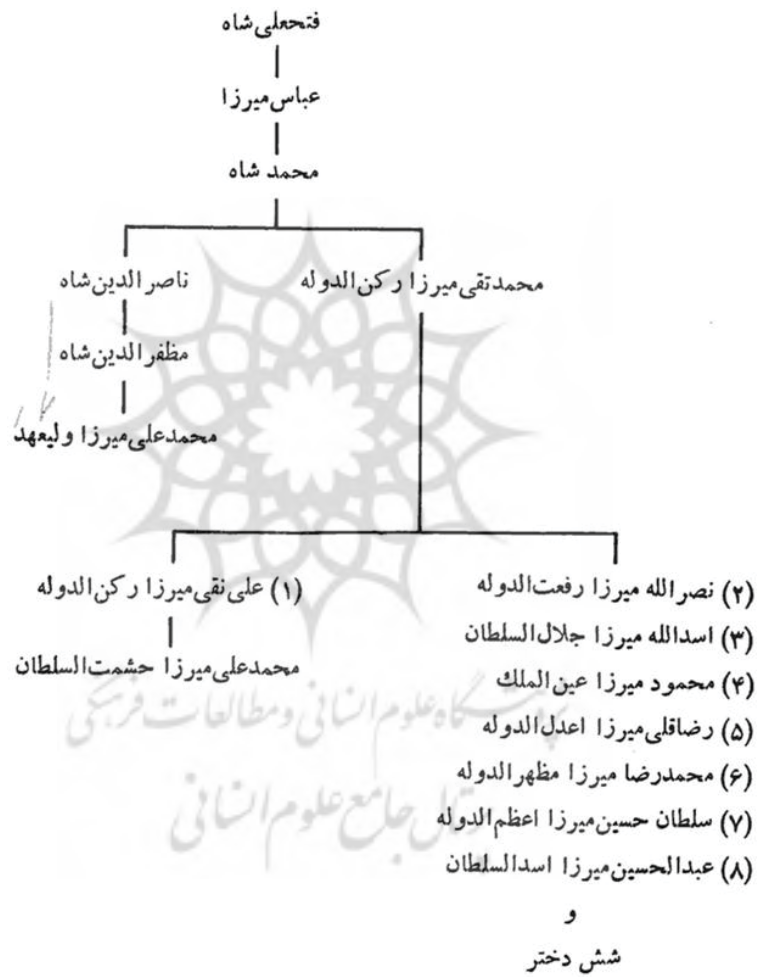
همین سال به جای ایشان به ریاست دارالشورای کبری رسید. در سال ۱۳۰۴ ناصرالدین شاه دوباره وی را حکمران خراسان نمود، و تا سال ۱۳۰۸ که شاه میرزا فتحعلی‌خان شیرازی صاحب دیوان را به جای وی منصوب نمود، عهده دار این منصب بود. رکن‌الدوله در اواسط سال ۱۳۰۹ با تقدیم پیشکشی قابل به شاه به فرمان‌فرمایی فارس تعیین شد، ولی دوباره در سال ۱۳۱۰ ق به دربار احضار و به جای ایشان، نصرت‌الدین میرزا سالارالسلطنه، پسر چهارم ناصرالدین شاه، فرمان‌فرمای فارس گردید. رکن‌الدوله پس از احضار به دربار در سال ۱۳۱۱ بار دیگر به فرمان‌فرمایی ایالت فارس تعیین گردید و تا سال ۱۳۱۴ ق در این منطقه به حکمرانی پرداخت. در این سال از حکمرانی این منطقه معزول و در سال ۱۳۱۵ ق به حکمرانی ایالت خراسان و سیستان انتخاب گردید و سه سال بعد در سال ۱۳۱۸ ق درگذشت.

از جمله مجموعه نسخه‌های خطی نفیس و ارزشمندی که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، مجموعه دو جلدی، حاوی تلگراف‌ها و مخابرات‌های رکن‌الدوله حاکم فارس در سال ۱۳۱۴ ق در دوره مظفری است که کاتب متن تلگراف‌ها را استنساخ کرده است. این مجموعه دو جلدی که در این نوشتار به مجموع تلگرافات جلد اول آن پرداخته می‌شود، دربردارنده اسناد و مکاتبات مهم کشوری ایالت فارس و مناطق تابعه آن است و در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول شامل اسناد و مکاتبات رکن‌الدوله به مناطق تحت حکمرانی ایشان است و بخش دوم، تلگرافات و مخابرات‌های مناطق تابعه و نیز دستورات صدراعظم وقت و جواب‌های رکن‌الدوله را شامل می‌شود. در جلد اول آن ۵۲ تلگراف و نامه وجود دارد که از این میان، ۲۸ تلگراف از رکن‌الدوله به ولایات و مناطق دیگر ارسال شده است و بقیه نیز تلگرافات و مکاتبات ولایات دیگر و دربار به ایشان است. نظر به اهمیت مکاتبات میان حاکمان با دربار و مردم در واکاوی و پژوهش‌های تاریخی، متن بازخوانی شده اسناد فوق به همراه چند نسخه اصل سند تقدیم خوانندگان فرهیخته می‌گردد.

[تهران نمره ۸ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف امجد، آقای صدراعظم - دامت شوکت - چون برای گرفتن اموال تجار و غیره و وصول مالیات قشقایی فرستادن مأموری لازم بود، معتمدالسلطان، میرزا محمدقلی خان لشکر نویس را که از خانه‌زادان دولت قوی شوکت است و آدم کافی قابلی است، برای این کار انتخاب نموده‌ام که بر حسب اجازه حضرت اجل عالی، عاجلاً به قشقایی رفته، نزد حاجی ایلخانی برود، اموال مردم را محصلی کرده، گرفته به شهر بفرستد که به صاحبانش مستر شده، قبض رسید دریافت شود و از بابت باقی سنه ماضیه و مالیات هذه السنه هم آنچه بتواند وصول و ایصال دارد و باید سرباز و چریک [چریک] و سوار هم به اختیار مشارالیه باشد که بتواند از عهده خدمت و مأموریت برآید. حضرت اجل عالی هم او را مستظهر فرموده، به حاجی ایلخانی و سایر خوانین قشقایی تلگراف فرمایند که بدانند باید از صلاح دید او خارج نشوند و زودتر رفع بدنامی از خود کرده، در صدد استرداد اموال مردم برآیند، ماهی دو بیست تومان هم مخارج او و همراهانش بازدید شده که باید در یکی دو ماه مأموریت، به او برسد. مقصود طلب احسانی این

شجره‌نامه محمد تقی میرزا رکن الدوله^۱



۱. چرچیل، جورج. پ، فرهنگ رجال قاجار، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران، زرین، ۱۳۶۹، ص ۸۲.

مطلب از حضرت عالی است که مقرر فرمایند، رفتن او لازم است. رکن الدوله

[کازرون نمره ۴ ۱۳۱۴]

فرزندی رفعت الدوله هزار دفعه به شما در باب دویست پنجاه تومان مخارج فرمان که شش ماه قبل جناب دبیر الملک داده است، نوشته‌ام؛ گویا اثر نمی‌کند. البته به وصول این تلگراف آن دویست پنجاه تومان را تلگرافاً حواله بدهید. اگر باز مسامحه نموده‌اید، مأمور می‌فرستم به افتتاح از شما بگیرد؛ قیمت مخابره را بدهید. رکن الدوله

[جواب]

به خاک پای مبارک حضرت مستطاب اشرف اقدس والا- روحی فدا- دستخط تلگرافی زیارت شد. دویست پنجاه تومان موجود است. برات تلگرافی ممکن نیست. ان‌شا الله به توسط پست برات تجارتی گرفته، تقدیم می‌دارد. در فرمایشات فدویانه حاضر است اینها نقلی ندارد تا محتاج مأمور باشد. خانه زاد، نصرالله

[کازرون نمره ۵ ۱۳۱۴]

عمده‌الامراء العظام، منصور نظام، در خصوص ملا عباس قلی کمارچی نوشته بودید تفنگدارباشی تلگراف کرده، مزاحم نشوید؛ بسیار غلط کرده، کمال مؤاخذه از او شد. به وصول این تلگراف باید آن پدر سوخته و کسانش را در هر جا است گرفته، به شیراز بفرمایید و ابداً به حرف احدی اعتنا نکنید. رکن الدوله

[تهران نمره ۱۰ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل امجد اشرف آقای صدراعظم- دامت شوکتہ- در باب یک‌هزار و پانصد تومان تخفیفات قشقای که بر حسب فرمان مبارک بقیه مقرر در حق این بنده برقرار شده است، چندی قبل که برای کار ایلخانی به تلگراف خانه آمدم، خود ایلخانی عریضه تلگرافی به توسط عطا الملک خدمت حضرت عالی عرض کرد و این هزار و پانصد تومان را قبول نمود. حالا که ثبت کتابچه دستور العمل را آورده از برای جناب معتمد السلطنه میخ [مبلغ] مزبور را به خرج نوشته‌اند نه به جمع. یقین دارم جناب میرزا محمد علی خان مستوفی فراموش کرده است. مستدعی است تا کتابچه را آورده، مقرر فرمایند این هزار و پانصد تومان مقرر بنده را موافق فرمان به جمع بنویسند و به خرج هم منظور دارند که از آن بابت آسودگی حاصل شود، در باب سیورسات بنده هم اوقاتی که جناب معتمد السلطنه تهران بود، حضرت عالی حکم دادید که گندم را خرواری پنج تومان و جو را چهار تومان و کاه را یک تومان تغییر نمایند. بنده هم موافق حکم حضرت عالی به همین تغییر سیورسات خود را دریافت نمودم. در این ثبت دستور العمل در تغییر سیورسات بنده هم تغییر داده‌اند. جهت آن را ندانستم؛ این فقره را هم مستدعی است حکم مؤکد فرمایند موافق حکم سابق به خرج کتابچه بیاورند و تغییری ندهند و حال اینکه بنده سیورسات خودم را حق دارم جنسی دریافت

دارم، مثل قشون و غیره. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۱۱ ۱۳۱۴]

به توسط جناب جلالت مآب دبیر الملک خدمت حضرت مستطاب اجل امجد اشرف اکرم افخم، آقای صدر اعظم - دامت شوکتہ - دو سه روز قبل از این در باب فرستادن مأمور درستی به میان قشقایی به جهت استرداد اموال تجار خارجه و داخله و ملاکین چون استعدادی حاضر نبود، عرض کردم که میرزا محمد قلی خان را برای این کار اجازه فرمایند، روانه دارم؛ بعد که تلگرافاً خبر حرکت فوج بزچلو از اصفهان رسید، سواره خرقان هم وارد شد. هر قدر ملاحظه کردم این مأموریت بزرگی است و تعهد بزرگی هم بنده در خاک پای مبارک و خدمت حضرت عالی نموده‌ام کار میرزا محمد قلی خان نیست. چون استعداد نداشتم، ناچار بودم؛ حالا مخصوصاً عرض می‌کنم عین الملک برای این مأموریت شایسته است. سوار خرقایی را با یک عراده توپ کوهستانی از شهر می‌فرستم؛ فوج بزچلو را هم تلگراف می‌کنم از آباده ملحق به اردوی عین الملک شوند. چهار صد نفر سرباز و یک عراده توپ کوهستانی هم در پیش ایلخانی حاضر است. با این استعداد امیدوارم که به اقبال بلند مسعود و مبارک بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاه - روحنا فداه - این همه منت بزرگ را به طوری که مقصود رأی بندگان اقدس همایون - ارواحنا فداه - و حضرت اجل عالی باشد، انجام بدهم. استدعا دارم مراتب را به عرض خاک پای مبارک برساند و احکام این مأموریت عین الملک را مرحمت فرمایند که مستقلاً این خدمت عمده را از پیش ببرد و باقی پارساله و مالیات هذه السنه را وصول نماید. برای مخارج میرزا محمد قلی خان عرض کرده بودم مال عین الملک را هر قدر حضرت عالی صلاح دانند، مقرر خواهند فرمود. اغلب از وحشتی که از حرکات خودشان دارند، از قراری که به تواتر خبر می‌رسد، زودتر از سنوات قبل، خیال عزیمت به گرمسیر را دارند؛ باید زود جلوگیری نمود. جواب زود مرحمت فرمایند، اردوی فارس زودتر حرکت فرمایند که خیلی لازم است. رکن‌الدوله

[جواب]

خدمت حضرت مستطاب اشرف ارفع والا - دامت شوکتہ - تلگراف حضرت والا که مأموریت نواب اشرف والا عین الملک را برای استرداد منهوبات تجار داخله و خارجه و ملاکین از قشقایی بود و انتظام کامل آنها و اجرای تعهد که خود صلاح دانسته بودند، به عرض حضور مبارک - روحنا فداه - رسید. چون حضرت والا تعهد فرموده‌اید و مسئولیت دارید، همین طور که صلاح دانسته‌اید، نواب والا عین الملک را با هر استعدادی که مقتضی است مأمور و روانه فرمایید که از عهده اجرای تعهد برآید. صدراعظم

[تهران نمره ۱۴ ۱۳۱۴]

توسط جناب جلالت مآب، ناصر الملک، خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف امجد افخم، آقای صدراعظم - دامت شوکتہ - میرزا علی اصغر خان سرتیپ دو سال است با فوج مخبران به سمت سعلمی

مخابرات و تلگرافات رکن‌الدوله، ... / جمشیدیان - پروانه

مأمور خدمت است. در هذه السنه سیورسات او را جز متوقفین تغییر نموده‌اند با فوج مأمور است متوقف نیست. مستحق است به تغییر فوج بگردد و به نرخ عادلانه جیره خریده خدمت نموده با این وضع سختی فارس پریشان شده، چون هنگام مرخصی است، با فوج متضرر شود، مثل سنه ماضیه به تغییر فوج داده شود. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۱۵ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل امجد اشرف، آقای صدراعظم - دامت شوکت - الساعه تلگرافی از حاجی نصرالله خان ایلخانی رسید که عیناً برای استحضار خاطر حضرت عالی درج می‌شود و در باب سوار بختیاری، چندین فقره معروض داشتیم که مقصود آنها عداوت سابقه است، نه نظم قشقای که جلوگیری نمایند، بلکه اعانت به مقصرین قشقای است. چون از این طرف همه نوع سخت‌گیری از بابت اموال مردم می‌شد، چند روز مهربانی و آمد و رفت کردند تا مرخص و معاودت کرده، قریب هزار خانوار قشقای مثل حیدر آقا و اسفندیار [اسفندیار] آقا و بهرام کیخا و آقا کیخا و ولی کیخا را [ناخوانا] داده، عبدالله خان را اغوا کرده تا روز ۲۹ نتیجه عمل ظاهر نشد. بعضی از صاحبان مال که در خانه عبدالله خان بوده، جواب کرده، خودش هم حرکت کرده به اصفهان یا به خانه خوانین بختیاری رفته، ظن غالب به بختیاری رفته است. آن اشخاص که مشوش بوده‌اند برده، قریب پنج هزار تومان بده [بدهی] عبدالله خان از بابت پارساله است. سه هزار تومان در هذه السنه گرفته، آنچه اموال بیضایی نزد احشام او بوده، بعضی را نصفه داده و دست به دست کرد، باز رفته تا علاجی از تهران بشود که آنها را معمولاً معاودت بدهند، باعث جرئت همه خواهد شد از همه جهت هزار نفر سوار و اسلحه جمع آورده، متصل عرض می‌نمود هشت هزار نفر سوار حاضر است، با وجودی که بیست هزار تومان ابواب جمعی به عبدالله خان داده‌ام، منتهای مهربانی کردم خوانین بختیاری او را اغوا کردند که خرجی نمی‌دهم. آن هم باور کرده با این طمع رفته که با این وضع او را اغوا کردند که صاحب منصب نمایند. باز هم فرستادم که برگرداند. مشکل است مالیات دزدکرد را تمام گرفته، به طلبکار حواله کرده، ایلخانی حضرت اجل عالی حکم فرمودید خوانین بختیاری اشرار بختیاری را راه ندهند. حالا خود آنها محرک شده و آنها را پناه داده‌اند. مستدعی است به طوری که ایلخانی عرض کرده است، حکم مؤکدی بفرمایید عبدالله خان و سایرین را تحت الحفظ، میان طایفه قشقای بیاورند به همین مظالمینی که ایلخانی تلگراف نموده است، اسعد السلطنه و دو نفر آدم‌های بنده هم که میان قشقای هستند، تلگراف نموده‌اند. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۱۶ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف اعظم، آقای صدراعظم - دامت شوکت - چند روز قبل تلگرافاً خواهش نمودم موجب میرزا ابراهیم خان مستوفی که نزد این بنده و به خرج خراسان می‌آید، مقرر فرمایند از آنجا تبدیل به خرج فارس منظور شود، تا به حال جوابی مرحمت نشده که مایه امتنان این بنده و امیدواری او گردد. رکن‌الدوله

[کازرون جواب نمره ۵]

جواب به خاک پای حضرت اسعد امجد اشرف اقدس ارفع والا ایالت کبری - روحی فدا - دست‌خط تلگرافی زیارت شد. خانه زاد با سوار سرباز سالم طرف کمارج رفته، ان‌شا الله به اقبال مبارک فرار بکنند یا زنده یا کشته دستگیر خواهد شد. شنیده‌ام احتیاط خود را دارد و تا خدا چه خواهد؛ مقرر فرمایید توپ اتریشی زودتر حرکت نماید. منصور نظام

[کازرون نمره ۹ ۱۳۱۴]

به فرزند کامکار رفعت الدوله و عمده الامراء العظام منصور نظام. از قراری که به عرض می‌رسد، شما درست در نظم آن حدود مراقبت ندارید و عابری امنیت ندارند. دو روز قبل یک بار قند از تجار کازرونی را در حوالی کازرون سرقت کرده‌اند؛ البته سارقین را دستگیر و قند را گرفته، رد کنید و مراقب باشید بی‌نظمی ظاهر نشود. سارقین را حتماً از شما می‌خواهم. رکن‌الدوله

[کازرون نمره ۱۱ ۱۳۱۴]

به عموم اهالی و کلانتران خشت، عمده الامراء العظام مشار نظام به حکومت مستقله خشت برقرار و تفنگدار باشی خلع است. باید تمام شماها کمال تبعیت را از مشار نظام نموده، مالیات و متوجهات را به مشارلیه پرداخت کنید و از امر و نهی و صلاح و صوابدید او تخلف نوزید. رکن‌الدوله

[کازرون نمره ۱۲ ۱۳۱۴]

به مأمورین حاجی محمد اسمعیل، مزاحم حاجی محمد اسمعیل و خانه او نشوید. خود حاجی محمد اسمعیل در کمال اطمینان به شیراز بیاید حساب خودش را در دفتر با حضور تفنگدار باشی مفروغ نماید، خود شما هم معجلاً به شیراز معاودت کنید. رکن‌الدوله

[نمره ۵ ۱۳۱۴]

به توسط میرزا محمود خان نایب الحکومه به عمده الامراء محمدخان سرتیپ فوج بزچلو تمام فوج را حرکت داده، عاجلاً بدون توقف، وارد شیراز شوید. یکصد نفر سرباز منصور در مأموریت خودش در آباده برقرار است. اگر محمد خان با فوج حرکت کرده باشد؛ نایب الحکومه عاجلاً برساند. رکن‌الدوله

[تهران جواب نمره ۱۰ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اشرف ارفع والا، شاهزاده رکن‌الدوله - دامت شوکته - تلگرافاً اظهار فرموده‌اید که یک هزار و پانصد تومانی که از بابت تخفیفات قشقای بی‌صفیه موجب در حق حضرت اشرف والا برقرار شده است، در هذه السنه به خرج کتابچه دستورالعمل فارس نیاورده است؛ مراتب به عرض خاک پای مبارک

مخابرات و تلگرافات ركن الدوله، ... / جمشیدیان - پروانه

رسید. دست خط انجم نقط مبارک این طور شرف صدور یافت، تخفیف را دولت برای کسر و شکست ایل و دهات می‌دهد. اگر ایل قشقای کسر و شکست دارد، چرا دولت تخفیف را به خود آنها ندهد باید تمام تخفیفات به خود ایل قشقای برسانید؛ هر گاه کسر و شکست ندارد، دولت به چه جهت، چرا ضرری بکند. تخفیف و تفاوت عمل، محل موجب و مستمری نمی‌شود. همین طور جواب بدهید و چون دست خط مبارک این طور صادر شده، باید به طوری که مقرر شده است، رفتار شود. صدراعظم

[کازرون جواب نمره ۹۰ ۱۳۱۴]

به خاک پای مبارک حضرت مستطاب اشرف اقدس والا- روحی فدا- هر کس این عرایض را به خاک پای مبارک کرده است، خلاف است. کازرون و اطرافش نهایت امنیت را دارد و قوافل در نهایت امنیت و امیدواری عبور می‌کند. بار قند را فوری پیدا کرده، دزدش را هم تنبیه به تفصیل به توسط عریضه است. منصور نظام هم کمارج است و مشغول نظم آن حدود، تا چه شود. خانه زاد، نصرالله

[تهران نمره ۲۵ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل امجد اشرف، آقای صدراعظم- دامت شوکت- مأموریت فرزندی عین الملک را میان ایلات قشقای به جهت تنبیه و تدبیر اشرار و استرداد اموال منهبوه و غرامت خسارت وارده بر ملاکین و تجار و وصول مالیات تصویب و احسانی فرموده‌اند. امیدوار است به نحوی که عرض کرده بود، به استعداد صحیحه و قرار مخارج که عمده اسباب پیشرفت کار است، حقوق تمام مردم استرداد، تنبیه و مالیات هم با التمام با اهتمام وصول شود، ولی باید حضرت اجل عالی که همه نوع اختیار و وکالت تامه در کارهای بنده دارید، شرایط استقلال و پیشرفت کار مرا که بتوانم در این سال که از هر جهت اختلال و اغتشاش در سرحدات فارس به هم رسانده نظم داده، قشون داشته باشم، بفرستم. سه ماه قبل استدعا نمودم علاوه بر ساخو معمول فارس، دو فوج سرباز، پانصد نفر سوار، چهار عراده توپ، هزار قبضه تفنگ درندل با فشنگ و چادر و ملبوس و قورخانه روانه فرمایید و وعده صریح هم داده شد، ولی معلوم است به وقت و موقع باید برای تصمیمات قشقای با همین طور که مأموریت فرزندی عین الملک را تصویب و اجازه فرموده‌اند. ان‌شالله تعالی تعهدات خاطر مبارک بندگان اعلی حضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی- ارواح العالمین فدا- حضرت عالی را در این مصادعت‌ها [مساعدت‌ها] آسوده دارد، ولی از بابت این فوجی که مأمور شیراز است و اسلحه جدید ندارد، خیلی نگران هستم که مبادا کاری از پیش نرود و بنده خیال می‌کردم که این فوج با تفنگ درندل و اسلحه جدید هستند؛ از آباچه تلگرافاً که استفسار نمودم، معلوم شد تفنگ‌های آنها همه دهن پر قدیمی است. ملاحظه فرمایید ایلات که هر نفری چهار پنج قبضه تفنگ دنکر و مارتین دارند با این تفنگ‌های قدیم چگونه می‌شود آنها را تهدید و تأدیب کرد. از تهران تفنگ و فشنگ بخواهم به جهت رفتن عین الملک که حمل شیراز بشود، طول خواهد کشید؛ اگر صلاح باشد، حکم مؤکد بفرمایید، حکم معجلاً پانصد ششصد قبضه تفنگ درندل با فشنگ از اصفهان حمل به شیراز نمایند که در موقع رفتن

عین‌الملک به درد بخورد. فعلاً مسئله مهم‌تر از همه آن است بعد از اینکه علما و ملاک و غیره به مسجد رفتند و استدعای تخفیف و بذل مرحمت کردند و در خاک پای مبارک بندگان اعلی حضرت همایون اعلی روحنا فدا- به موقع قبول پذیرفت و حسب الامر اقدس اعلی آن اجماع متفرق و عموم اهالی مشکرند به مقتضای شرارت ذاتی و فتنه‌جویی که لازمه سرشت و طینت اغلب مردمان فارس است، امروز جمعی از علمای با ثروت به طمع مزید تخفیف سه هزار خروار گندم و چهار هزار تومان دیگر، بقیه با رفع تکلیف بعضی از محترمین مجتهدین که از ابتدا در این اجماع والا قرب دخل نموده‌اند به اتفاق خوانین و اعیان و تجار دور هم جمع و کنکاش دارند در اغتشاش کار مملکت و حتی به خارج شهر هم بعضی اراجیف را نشر داده، محرک خیالات فاسده اشرار شده‌اند. حقیقت اگر باید بنده در فارس باشم و انتظام آنجا را از بنده خواهند خواست، باید به عموم علما و اعیان تلگرافات سخت تهدید آمیز مخابره شود که اگر بعد از این، این گونه اقدامات و اجماعات فتنه‌انگیز عرض آمیز از شما به عرض برسد، از همه مؤاخذه می‌شود و باید دست از مفسده‌جویی برداشته، تصور نکنید دولت عجز از سیاست و تنبیه و تدبیر اشرار فارس دارد یا اینکه اشخاصی را که منشأ فتنه و تحریک هستند ملاحظه کرده، اخراج بلد شوند. حراست و اعتبار تمامی اهالی مملکت در هر درجه که باشد، در سایه طاعت و پیروی اوامر مطاعه دولت و حفظ حدود و شئون ایالت است والا نه که را منزلت ماند نه مه را. استدعایی هم که در باب استعداد قشون خواسته‌ام، عاجلاً روانه شود؛ یعنی تا آخر ماه صفر به بنده برسد که کارها را منظم بدارد و هر که را هم که منشأ فتنه و تحریک بدانند گرفته، تنبیه و اخراج بلد نماید که مملکت فارس منظم شود والا بخواهند با خیالات فاسده آنها همراهی و ملاحظه در کار داشته باشند، ابدأ کار پیشرفت نمی‌کند و سبب ازدیاد تجری و جسارت حضرات بیشتر می‌شود و البته هر طور مقتضی و نظم مملکت را بخواهند، قراری می‌فرمایند. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۳۷ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اکرم والا ایالت صدراعظم- دامت شوکت- مصطفی قلی‌خان سرتیپ که از نوکران قدیم دولت و پنجاه سال است که خدمتگزار است، چون خودش و بستگانش جیره که معاش آنها را بدهد نداشته، چهار سال قبل این بنده از حضرت عالی مستدعی شد که اضافه برای آنها منظور و مقرر فرمایند. در دفتر لشکر جناب جلالت مآب نظام الملک به اسم آنها به خرج بیاورند، حضرت عالی هم مقرر فرمودید که موافق استدعای بنده معمول دارید و مطابق صورتی که الان در دفتر لشکر ضبط است، اضافه جیره در حقشان مرحمت شد که سه سال است گرفته‌اند. امساله از قرار معلوم می‌شود چون در دستورالعمل استیفا به خرج نیامده، باز اسباب اشکال شده است. لازم گردید خدمت حضرت اجل عالی عرض کنم مصطفی قلی‌خان از قدمای خدمت‌گذاران و توپچی و تبعه‌اش مأمور خدمت و مشغول جان فشانی است و لایق همه نوع مرحمت است. البته خاطر محترم عالی راضی نخواهد شد که جیره او و بستگانش که همه سال است دریافت نموده، امساله نرسد و مقرر خواهند فرمود که به طور سنوات ماضیه و امر خود حضرت عالی، حقوقشان داده شود و در دفتر استیفا بعد از این به نرخ بیاورند که با آسودگی مشغول خدمت

مخابرات و تلگرافات رکن الدوله، ... / جمشیدیان - پروانه

و جان فشانی باشد. چنانچه رأی عالی تعلق پذیرد، از جناب جلالت مآب نظام الملک وزیر لشکر هم تحقیق فرمایید که بدانند حقوق آنها در این چند ساله به خرج کتابچه دفتر لشکر فارس منظور بوده است. رکن الدوله

[کازرون جواب نمره ۱۱]

به خاک پای مبارک حضرت اشرف ارفع اسعد اقدس والا ایالت کبری - روحنا فدا - دستخط مطاع تلگرافی زیارت از اخبار حکومت خشت که به آقای تفنگدار باشی خلع و تغییر الامرا، العظام آقاسی مشار نظام مرحمت و میذول فرموده‌اند، عموماً راضی و آسوده، کمال تشکر و دعاگویی را نمودیم. ما خدمت ایشان را به جان اطاعت داریم. خداوند بر دوام عمر و دولت ابدیت حضرت والا بیفزاید. سادات و خوانین و کلاتران دارالقرای خشت

[تهران نمره ۴۸ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف اکرم افخم آقای صدراعظم - دامت شوکته - فوج بزچلو که عوض فوج درجزین تعیین شده بر حسب امر مبارک مأمور قشقایی است، فوج درجزین به واسطه طول ایام مأموریت دور نیست به صدا بیایند مستدعی است تلگرافاً به عظیم الدوله و صاحب منصبان فوج درجزین تهدید و امر مؤکد صادر شود که از این یکی دو ماه را هم تأمل [تحمل] کرده خود آنجا باشند و نگذارند فوج داغان شود تا عوض آنها از دارالخلافة معین و روانه شود. این تلگراف خیلی لازم است تلگرافی هم از بابت مأموریت عین الملک به قشقایی و در مسئله ایلخانی عبدالله خان خدمت حضرت عالی عرض کردم جواب هنوز مرحمت نشده است. مستدعی است جواب این دو فقره را زود مرحمت فرمایید که خیلی لازم است. رکن الدوله

[کازرون نمره ۱۵ ۱۳۱۴]

فرزندی رفعت الدوله از قرار مذکور هاتس دبیر کمپانی تنخواه زیادی از شیراز حمل بوشهر نموده و به واسطه ناامنی راه در کازرون، معطل می‌باشد؛ البته چند نفر سوار هم‌راه تنخواه نمایند سالماً به برازجان برسانند به دست میرزا حسین خان بسپارند و قبض بگیرند که او هم سوار و تفنگچی همراه نموده، صحیحاً به بوشهر برساند. رکن الدوله

[کازرون نمره ۲۵ ۱۳۱۴]

فرزندی رفعت الدوله شما معطل منصور نظام نشوید. چند نفر از سواره قزاق از او بگیرید و معجلاً به شیراز بیاید. رکن الدوله

[تهران نمره ۱۳۳ ۱۳۱۴]

به توسط معتمد السلطان عطا الملک به جناب جلالت مآب اجل اکرم مخبر الدوله - دام اقباله - البته از احضار دوستدار اطلاع دارید. از روز رسیدن، حکم احضار هم در جواب مرقومه تلگرافی حضرت مستطاب اجل اشرف امیر افخم آقای صدر اعظم - دامت شوکتہ - عرایضی که داشتیم، عرض کردم. چون تعیین تکلیف را فرموده‌اند، مجدداً مطالب که داشتیم، تلگرافاً عرض کردم. جواب مرحمت نفرمودند. دیشب تلگرافی به توسط سیف الممالک دیدم که هوش از سرم رفت. مؤاخذه فرموده‌اند که چرا حرکت نمی‌کنید. چون جناب عالی را خیر خواه عموم به جا آورده‌ام، این تلگراف را زحمت می‌دهم که خدمت حضرت مستطاب معظم الیه رسیده، تلگراف‌های مرا هم صورتش را بفرمایید از تلگرافخانه آورده، جواب مطالب امروز گرفته به من برسانید تا فوراً دو سه روزه حرکت کنم. یکی در باب مقرری من و بستگان من است که نقداً و جنساً پنج ماه از سال گذشته است خیری نگرفته‌ام. مقرر فرمایید کار سازی دارند یکی حق الحکومه پنج‌ماه است نقداً و جنساً حق من است؛ امر فرمایید بدهند. یکی تفاوت عمل است بعد از وضع پیشکش دولت [ناخوانا] استقراری و مخارج دیگر پنج ماهه حق من است، مقرر فرمایید حسابش را جناب معتمدالدوله روشن نماید و قرار حقوق مرا بدهد. یکی هم بقایای دو ساله یونیت ٹیل، قوی ٹیل من است که جناب مشارالملک معلوم کرده است. تقاضا در دست دارند، مقرر فرمایید یک نفر بقایا را قبول کند، پس از وصول به برات داران کارسازی دارد. بعد از آمدن من به تهران گرفتار هزار نفر ساقیم از جناب عالی خواهش دارم که هر یک [از] این عرایض من جواب دارد، مرحمت بشود؛ هر یک هم که جواب ندارد، بفرمایند که تکلیف خودم را بدانم و حرکت کنم. از برای من بعد از این به عرایض ارباب غرض و متعرضین محصلی مثل سیف‌الممالک لازم نیست من در اطاعت اوامر دولت از هر کس مطیع و منقاد ترم، اگر هم آلودگی نداشتیم و مخارج حرکت را داشتیم، در این عرایض اصراری نداشتیم. پس مقرر شود طلبکار متفرقه مطالبه نکنند، فوراً حرکت کنم. اگر هم مقصود تزییع من است، عرضی ندارم. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۱۵۵ ۱۳۱۴]

به توسط امیر الامرا العظام سیف الممالک خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف امجد افخم آقای صدر اعظم - دامت شوکتہ - تلگرافی که فرموده بودید، سیف الممالک رسانید. بنده دقیقه [ای] مایل توقف در شیراز نیستیم. همان روز یکشنبه پانزدهم که حکم احضار بنده رسید، در جواب مطالب و عرایضی که داشتیم، عرض کردم. تکلیف بنده را معلوم نفرمودید. دو سه روز قبل هم مطالب و عرایض خود را تلگرافاً عرض کردم جواب تعیین تکلیف بنده تاکنون نرسیده است. اگر عرایض بنده جواب هیچ ندارد آن را هم مقرر بفرمایید تا اوامر مقدسه بندگان اقدس همایون - ارواحنا فدا - را امتنان نموده، حرکت نماید به هر وضعی که ممکن است. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۱۷۵ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف، آقای صدراعظم - دامت شوکتہ - عمدۃ الامرا العظام محمد خان سرتیپ قاجار که در سنه ماضیه حاکم دارابجرد و بهارلو بود، از قرار اسناد مدعی بود که نقداً [و] جنساً قریب هشت هزار تومان در محل، باقی اوقاتی هم که حکومت آنجا به جانب قوام الملک داده شده، مشارالیه تعهد کرد هر قدر باقی محمد خان معلوم شد، از عهده برآید. چندی قبل هم که تلگراف حضرت عالی رسید، بنده خواستم حساب آنها را مفروغ نمایم [ناخوانا] بانم بود که به تهران احضار محمد خان هم باید به تهران بیاید و نمی‌تواند در شیراز معطل شود. مستدعی است حکم فرمایند جناب قوام الملک از بابت بقایای مشارالیه قراری بدهد که از مرحمت حضرت اجل عالی آسوده شده، بتواند حرکت نماید. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۱۶ ۱۳۱۴]

به نواب علیّه عالیّه شمس السلطنه - دامت عزتہا - ان‌شالله مزاج شریف شما همگی به سلامت است. در فقره که نوشته بودید، حالا عیبی ندارد و به سلامتی اقدام نمایید. احوال من هم بحمدالله خوب است. ان‌شالله هفتم حرکت است. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۱۷ ۱۳۱۴]

معمدالسلطان عطاالملک جواب تلگرافها به هیچ وجه نمی‌رسد. تلگرافی هم که به توسط شما به جانب جلالت مآب مخبرالدوله - دام‌اقباله - نمودم، آن جواب هم نرسید. من نمی‌دانم چه عرایض خلاف از آنجا شده است که ابدأً جواب مرحمت نمی‌فرمایند. من الان در اینجا نهایت معطلی را دارم. بر حسب امر و فرمایش، صبح هفتم ماه که ساعت است ان‌شاالله حرکت می‌کنم. سه روز هم در جهان نما هستم. شما شرفیاب شده، خدمتشان عرض کن از وجوهاتی که باید به من برسد، پنج هزار تومان امر فرمایید که نقد به من بدهند تا ان‌شالله در تهران معلوم و مدلل دارم که عرایضشان بی‌مأخذ است و حقوق من مانده است از جناب جلالت مآب مخبرالدوله وزیرعلوم جواب مطالبه کنید و خودتان هم البته در صاحبقرانیه شرفیاب شوید و زود جواب تلگرافها را عرض کنید مرحمت فرمایند. رکن‌الدوله
از ولایات به شیراز

[آباده نمره ۱ ۱۳۱۴]

به خاک پای مبارک حضرت مستطاب اقدس والا ایالت کبری - روحنا فدا - عرض داشت می‌شود کلیه نظم و آسایش رعیت وصول مالیات اقلید را چاکر انجام داده و از عهده برآمده‌ام. نصفه اقلید هم کما فی السابق با چاکر است و نصفه دیگر با عسکرخان استدعا دارم که خلعت افتخار و حکم نیابت به حکومت چاکر عنایت فرمایند که چاکر بتوانم از عهده انجام خدمات راجعه برآیم. شصت تومان هم تقدیم اطاعت می‌شود. بعد از زیارت حکم و خلعت هم از خارج خدمات دیگر خواهیم نمود. خانه زاد، یعقوب اقلیدی

[کازرون نمره ۲ ۱۳۱۴]

به خاک پای مبارک حضرت اسعد امجد اشرف ارفع والا ایالت کبری - روحی فدا - تلگراف مبارک زیارت شد. بیست روز هم نزدیک است. هنوز از ممسنی خبری نشده است. ناخوشی سرباز و سوارخانه را در التهاب آورده است. استدعا اینکه یک عراده توپ اتریشی با یکصد نفر سرباز که با تفنگ درندل به خانه زاد برسد، در سر موعد معطل نشوم سوار سرباز خرجی ندارد. استدعا آنکه هزار و پانصد تومان برای این بار مرحمت شود در کازرون نقد داده شود مشغول خدمت و جانفشانی باشم توپ [و] سرباز لازم است. منصور نظام

[تهران نمره ۵ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اشرف والا شاهزاده رکن‌الدوله - دامت شوکت - محمد خان قاجار متظلم است که دارا بجزد ایل بهارلو را علاوه بر مأخذ معامله سنواتی به مشارالیه رجوع فرموده و او هم به واسطه بی‌اطلاعی به محل رفته، منتظر به عنایات حضرت والا بوده که رفع خسارت وارده به او بشود تا کنون التفاتی نفرموده، مبلغی متضرر شده است. حسب الامر مبارک مقرر رفت جناب جلالت مآب معتمد السلطنه رسیدگی کرده، ضررهای حقه او را مسترد داشته عاید دارد. البته حضرت والا هم سختی نفرموده، به طور حقانیت حساب او را تفریغ فرموده، آسوده‌اش خواهند فرمود که در این موقع اول کار همه روزه اسباب تصدیع خاطر مبارک نشود. صدراعظم

[تهران نمره ۱۵ ۱۳۱۴]

خدمت سرکار نواب مستطاب اشرف ارفع والا شاهزاده رکن‌الدوله - دام اجاله - سرکار اشرف والا می‌دانید که معاش ورثه مرحوم مؤیدالدوله منحصر به وجه مواجب آنها است و همه آنها هم پریشان هستند. ولی با تأکیداتی که در ایصال وجه مواجب آنها شده است، هنوز یک هزار و دویست تومان از مواجب پارساله آنها نرسیده است و به خاک پای مبارک همایونی - روحنا فدا - تظلم کرده‌اند. لهذا حسب الامر اقدس عرض می‌شود که مقرر فرمایید عاجلاً وجه مواجب پارساله آنها را برسانند که زیاده از این پریشان و معطل نباشند و تظلم می‌نمایند که اسباب تغییر خاطر مهر مظاهر ملوکانه بشود. البته صدراعظم

[تهران نمره ۱۷ ۱۳۱۴]

نواب مستطاب اشرف ارفع اسعد امجد والا رکن‌الدوله فرمان فرمای مملکت فارس - دام اقباله - در باب اموالی که می‌گویند از دو نفر تبعه عثمانی که یکی از آنها عبدالکریم نام است سرقت شده، تلگرافاً زحمت داده بودم اقدامات فرموده، سارقین را دستگیر و اموال مسروقه را تحصیل فرمایند. جوابی از نواب اشرف والا رسید و از سفارت کبری عثمانی تجدید اظهار شده است، اقدامات نواب والا به کجا منتهی شد و چه تحقیق فرمودید اگر اقدامی فرمودید نتیجه را اعلام فرمایید و هر گاه نشده است علت تأخیر چیست. هر چه

مخابرات و تلگرافات رکن‌الدوله، ... / جمشیدیان - پروانه

زوتر در این مسئله اقدام مؤثری فرموده، نتیجه را مرقوم فرمایید. صدر اعظم

[تهران نمره ۱۲ ۱۳۱۴]

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اقدس والا- روحی فدا- از قبول فرمودن بروات خانه زاد بی‌اندازه عرض تشکر می‌نمایم و ضمناً جسارت و استدعای دیگر دارد. چنانچه سابقاً هم عرض و استدعا کرده بود، تنخواه چوب دار و گله‌دار که سه ماه است متواتراً وعده فرموده‌اند و چاکر در انتظار است برات تلگرافی بفرمایند و حالیه هم به مراجع کامله کارخانه زاد راه بیفتد و موجب مزید تشکر شود. در حقیقت انعام مخارجی است که از جیب مبارک به خانه‌زاد مرحمت می‌شود، تفاوتی ندارد. همان قدر شاکر خداوند ان‌شالله سایه مبارک بر سر این خانه‌زاد پاینده و مستدام بدارد خلعت قهر طلعت مبارک- روحنا فدا- هم روز بیست و نهم با حامل مخصوص روانه شد. از حالا تبریک عرض می‌نماید. چاکر رئیس

[تهران نمره ۱۰ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اشرف ارفع والا آقای رکن‌الدوله- دامت شوکتہ- در خصوص گفتگوی حاجی ابوالحسن و امیرالامرا العظام امتصار الملک تلگراف حضرت والا رسید که اسناد و نوشتجات امتصار الملک را ملاحظه فرموده‌اید. حاجی ابوالحسن هم صورت احکام و نوشتجات خود را فرستاده است. البته از نظر حضرت والا گذشته قدغن نمائید اسناد امتصار الملک از احکام و فرمان و قباله هر چه است، و کیل او به تهران بیاورد تا یک ماه اگر جواب صحیحی به حاج مشارالیه داد، فیها و الا از عهده تنخواه حاج مشارالیه برآید. صدراعظم

[تهران نمره ۱۸ ۱۳۱۴]

توسط امیرالامراء العظام منصورالدوله امیر تومان خدمت نواب مستطاب امجد اشرف والا شاهزاده رکن‌الدوله- دام اقباله- حکم مرخصی فوج مخبران قراگوزلو مدتی است صادر شده: از قرار معلوم معطل بقیه حقوق خودشان شده‌اند چون مدت مأموریت فوج مزبور خیلی طولانی شد و زیاد زحمت کشیده و خدمت کرده‌اند، رعایت آنها لازم است. معجلاً حقوق آنها را تا روز حرکت، تمام و کمال بپردازید، روانه ولایت خودشان بشوند و در مقابل خدمات آنها، مبلغ پانصد تومان به آنها انعام مرحمت شد رسانیده قبض بگیریید. صدراعظم

[صاحبقرانه]

خدمت حضرت مستطاب اشرف ارفع والا شاهزاده رکن‌الدوله- دامت شوکتہ- از آنجایی که مراجع قبله اقدس همایون ملوکانه- روحی فدا- نسبت به حضرت والا کامل و شامل است بر حسب استدعایی که فرموده بودید حضرت والا را به رکاب ظفر نصاب مبارک احضار فرمودند که از مراجع حضوری بهره‌یاب

شوند. جناب جلالت مآب اجل، ناظم الدوله را به حکومت فارس مأمور فرمودند و به زودی عزیمت می‌نمایند. حضرت والا هم در کماز و احترام حرکت فرمایید و هر قدر از یکی افواج مرخص فارس لازم دانید، همراه خود بیاورید که در عرض راه همراه حضرت والا باشند و سوار بغدادی هم که مرخص است، در خدمت حضرت والا بیایند و مواظب خدمت حضرت والا باشند. جنابان معتمد السلطنه و قوام الملک تا ورود جناب جلالت مآب ناظم الدوله، مسئول نظم امور خواهند بود. ان‌شالله به سلامتی بعد از ورود [به] دارالخلافت به مراسم خیلی مطلوبه نائل خواهید شد و نعمت زیارت وجود مسعود مبارک همایونی - روحنا فدا - بالاتر از هر حکومتی است. صدراعظم

[جواب]

خدمت حضرت مستطاب اجل امجد اشرف افخم آقای صدراعظم - دامت شوکت - از اینکه استدعای بنده در خاک پای مبارک درجه قبول پذیرفت و این بنده را به رکاب مبارک احضار فرموده‌اند، نهایت افتخار از برای این بنده در این مرحمت مخصوص، حاصل کرده و با نهایت تشکر از برای شرفیابی آستان مبارک حاضر، ولی بعضی عرایض لازم دارم. اگر اجازه مرحمت می‌فرمایند، به عرض برسانم که احکام آنها را بفرمایند تا فوراً حرکت کنم، زیرا که دیناری از نقد و جنس و مقرری خود و کسانم دریافت نکرده‌ام و از بابت حق الحکومه و تفاوت عمل هم پنج ماهه حق بنده است. هر کس باید بدهد، امر بفرمایید برسانند. با آلودگی‌هایی که در فارس دارم تا این وجوهات به بنده نرسد، قادر حرکت نیستیم. یکی هم قرار بقایای من است که همه را جناب مشارالملك معین کرده است. آنها را هم باید مقرر فرمایید، کسی قبول کند که حواله‌جات دیوان را برساند که دیگر از برای بنده چه اینجا و چه در دارالخلافت، اسباب زحمت فوق الذکر فراهم نشود. مال بنه هم باید مقرر فرمایید اینجا به قدری که لازم است حاضر نمایند. رکن‌الدوله

[تهران نمره ۱۸ ۱۳۱۴]

توسط امیر الامرا العظام منصور الدوله امیر تومان خدمت نواب مستطاب امجد اشرف والا شاهزاده رکن‌الدوله - دام اقباله - حکم مرخصی فوج مخبران قراگوزلو مدتی است صادر شده، از قرار معلوم معطل بقیه حقوق خودشان شده‌اند که چون مدت مأموریت فوج مزبور خیلی طولانی شد و زیاد زحمت کشیده و خدمت کرده‌اند، رعایت آنها لازم است. معجلاً حقوق آنها را تا روز حرکت، تمام و کمال بپردازید روانه ولایت خودشان بشوند و در معاودت خدمات آنها مبلغ پانصد تومان به آنها انعام مرحمت شد؛ رسانیده، قبض بگیریید. صدراعظم

[تهران نمره ۲۲ ۱۳۱۴]

خدمت حضرت مستطاب اشرف امجد ارفع والا شاهزاده رکن‌الدوله - دامت شوکت - در باب بقایای محلی جناب قوام الملک در دشتی و دشتستان و غیره، تلگراف سخت به نواب والا حسام السلطنه شد. جواب داده

است آدمی از جانب قوام الملک بیاید و مدلل نماید با کمال جهد وصول خواهند کرد. چون این حرف حسابی است، قدغن فرمائید جناب قوام الملک آدم درستی روانه نماید بقایا را آنجا مدلل نماید حسام السلطنه حتماً وصول کند؛ یعنی اسناد باشد مباشر را با حساب آنها با مفاصایی که سند باشد، ببرد و بقایا را بگیرد. صدر اعظم

[تهران نمره ۲۹ ۱۳۱۴]

حضرت مستطاب اشرف ارفع اکرم والا شاهزاده رکن الدوله - دامت شوکتہ - حضرت والا تلگرافاً و تحریراً اظهار فرموده بودند که عبدالله خان و سلطان ابراهیم خان متحداً مشغول استرداد اموال مردم از قشقایی هستند. حاجی ایلخانی هم با عبدالله خان مهربانی دارد. حالا تلگراف تظلم عبدالله خان از اصفهان می‌رسد که او را به کلی از کار خارج کرده و املاک او را خراب نموده‌اند به جای اینکه ایل را نظم دهند و با اتفاق منهوبات را مسترد دارند، حالا به یکدیگر آویخته‌اند؛ البته رفع این خیالات را فرموده، عبدالله خان را آسوده معاودت دهید که اسباب اغتشاش فراهم نشود. صدر اعظم

[تهران نمره ۳۴ ۱۳۱۴]

حضور مبارک بندگان حضرت مستطاب اقدس - روحی فدا - و این وضع که حضرت والا - روحی فدا - می‌خواهد عریضه چاکر را قبولی دستخط فرمایند، بانک قبول نمی‌کند و هر روزی یک اسباب افتضاح برای چاکر فراهم کرده، آخر تصدق آستان مبارک شوم، نگاه‌داری از خانه‌زاد چه روز خواهند فرمود و التفات و آقایی را برای چه روز گذارده‌اید. خانه زاد در کلیه کار خود کی [که] را دارد عرض نماید، به جز آستان مبارک، چه رسد به این فقره به خصوص که اصلاح آن بر کارگزاران آستان مبارک است و بس. حواله مطالبات خودم را با اسم مبارک گرفتم که بعد از آن همه جان نثاری و خدمت‌هایی که کرده بودم، الطاف کامله را به مرحمت فرمودن همین تنخواه قرار بفرمایید. حالیه دوازده هزار تومان باقی است. آخر چرا باید گذارده باشد تا حال بماند و حالا اصلاح آن را از دیگری کند و نباید بخواهم به هر جهت مستدعی است بروات بانک را محض حفظ مراتب این خانه‌زاد خود صریح قبولی دستخط فرمایید که دست از خانه زاد بردارد. منتهی سه ماهه قبول فرمایند که لابد تا آن موعده برسد، حالیه همه تنخواه گله‌دار چوب دار را استدعا دارد برات تلگرافی مرحمت شود که رفع معطلی حالیه بشود. خانه زاد رئیس

[جواب]

جناب جلالت مآب محمد حسین خان رئیس، تلگراف شما رسید. آن وقت که من حکومت داشتم، نمی‌توانستم حواله‌جات شما را به موعده معین قبولی بنویسم. حالا که احضار شده‌ام و جواب شما معین است، نزد حاجی نصرالله خان ایلخانی و امامقلی خان قشقایی است، بقایا را اولیای دولت جاویدان قاهره به تحویل هر کس فرمودند که وصول و ایصال دارد وجوهات شما را تمام کمال می‌گیرد، می‌رساند. رکن الدوله [تهران نمره ۳۹ ۱۳۱۴]

حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف والا- روحنا فدا- از این تنخواه که آمد عطاالملك، یکصد تومان به خانه زاد می خواهد بدهد. با این همه طلبکارها، خانه زاد چه کنم و اندرون مطالبه ماهانه می نمایند. محمد علی

[جواب]

مشهدی علی شربت دار به میرزا صدرالدین خان مستوفی نوشته ام عطاالملك هم آنجا است. هر چه پول لازم داشته باشید، به تو خواهد داد. رکن الدوله

[تهران نمره ۱۶ ۱۳۱۴]

حضور مبارک حضرت مستطاب اسعد والا- روحی فدا- عرض فدویت دارد. مستدعی است از اعتدال مزاج مبارک والا روحی فدا و نواب امیر زادگان، قرین تشکر فرمایید. حسام الدین

[جواب]

جناب مسیح الملک، از ورود شما به تهران خوش وقت شدم. حالت من هم بحمد الله بد نیست. بر حسب احضار بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی- ارواحنا فدا- این روزها از شیراز حرکت خواهم کرد. رکن الدوله

[تهران نمره ۱۸ ۱۳۱۴]

به خاک پای مبارک حضرت مستطاب اشرف اقدس والا- روحی فدا- پس از زحمات زیاد و تدابیر حسنه از اقبال حضرت والا سید احمد بنیائی [بنیای] که مصدر شرارت شده، چندین قتل نفس کرده بود. در حین فرار گلوله خورده، دستگیر شده، مشکل است جان به در برد. امروز خبر به خانه زاد رسید همین دو روزه مامور خانه زاد یا مرده اش باید کازرون بیاورد به شیراز. هر صورت شرش از سر دهات معتصم الملک و اهالی کازرون کنده شد، اطلاعاً عرضه داشت. خانه زاد نصرالله

[جواب]

فرزندی رفعت الدوله تلگراف گرفتاری سید احمد بنیائی [بنیای] رسید بر حسب اوامر مطاعه بندگان اعلی حضرت قدر قدرت اقدس همایونی- روحی فدا- به دار الخلافه احضار شدم. شما بعد از رسیدن این تلگراف، منصور نظام را برداشته، بیاورید. چون مرخص است، باید با من به دار الخلافه بیاید. رکن الدوله

[تهران نمره ۷۲ ۱۳۱۴]

سرکار نواب مستطاب اشرف والا شاهزاده رکن الدوله- دام اقباله- چندی قبل حسب الامر اقدس، تلگراف شده بود که یک هزار و دویست تومان بقیه موجب پارساله اولاد مؤید الدوله را حواله فرمایید. تا

کنون نه جوابی مرقوم داشته‌اند، نه وجه آنها رسیده است و مجدداً به خاک پای مبارک تظلم کرده‌اند. مقرر فرمایید بقیه وجه مواجب آنها را برات تلگرافی نمایند که معطل هستند. صدراعظم

[جواب]

خدمت حضرت مستطاب اجل امجد اشرف اکرم افخم، آقای صدر اعظم - دامت شوکتہ - در باب یک‌هزار و دو سیست تومان بقیه مواجب ورثه مرحوم مؤید الدوله مرقوم فرموده‌اید که یک دفعه تلگراف فرموده‌اند و جواب عرض نشده است. امکان ندارد فرمایش حکمش را بفرمایید جواب آن را فوری عرض کنم. این فقره درست است. این مبلغ حقوق آنها باقی است، ولی پیش بنده نیست در محل است باید امر و مقرر فرمایند حتماً به زودی وصول نموده، کارسازی دارند به تفصیل بقایا و حقوق مردم که باقی است. جناب مشارالملك البته شرفیاب شده است تحقیق فرموده، حکم مؤکد فرمایند که به زودی دریافت دارند. رکن الدوله

[تهران نمره ۱ ۱۳۱۴]

قربان حضور مبارکت: ان‌شالله مزاج مبارک را ملالی نیست. نشانه برات‌ها حواله تکفل شد. ده روز است میرزا صدرالدین تلگراف عرض کرده، از شما جوابی نرسید. چگونه ما را به کلی محو نظر کردید. شش ماه است ماهانه ندادند محمد علی از دست رفت، قوه ندارد. والده شرف السلطنه



